



نگار: سعید گل / شهرآر

ساعاتی در بوستان برکت و ۳۰۰ مزرعه کوچک که شهرداری برای کاشت و برداشت در اختیار شهروندان قرار داده است

اینجا مردم حال خوب کشت می‌کنند



روزنامه‌نگار
مهرداد خامان

جایی در دل شلوغی‌ها و هوای آلوده مشهد هنوز بوی خاک و سبزی تازه به مشام می‌رسد؛ جزیره‌ای سبز در حاشیه بزرگراه امام علی^۶ و در گوشه‌ای از بوستان برکت که در آن، شهروندان نه فقط تماشاگر طبیعت، بلکه راوی بخشی از فرایند کاشت و داشت و برداشت شده‌اند. اینجا چندمتر زمین کافی است تا آدم‌ها برای ساعتی از شهر فاصله و با خاک ارتباط بگیرند و دوباره طعم آرامش را تجربه کنند.

جزیره‌ای سبز در حاشیه بزرگراه

صدای بسوق خودروها و حرکت بی‌وقفه ماشین‌ها از پرترددن‌ترین معبر شهری مشهد، یعنی بزرگراه امام علی^۶، همچنان ادامه دارد و هزاران نفری که از این معبر شهری عبور می‌کنند، شاید ندانند که درست در کنار این بزرگراه و جایی در میان ساختمان‌های بلند انتهای بولوار آموزگار و سیدرضی، دور از هیاهوی خیابان، تصویر شهر ناگهان تغییر می‌کند، وقتی که جای آسفالت و بتن را ردیف‌های منظم سبزی‌های تازه و زمین‌های کشاورزی گرفته‌اند و به جای دود خودروها، بوی خاک، ریحان و نعنا در فضا پیچیده است. اینجا نه شبیه یک زمین کشاورزی دور از شهر، بلکه شبیه تکه‌ای از یک روستاست که در میان شلوغی‌های مشهد جا مانده است، جایی که زندگی شهری و کشاورزی، در فاصله‌ای چندمتری کنار هم ادامه پیدا می‌کنند.

در این محدوده، یعنی گوشه‌ای از بوستان برکت، حدود دویست مزرعه کوچک کشاورزی در دل شهر قرار گرفته‌اند؛ زمین‌هایی که با نظم خاصی طراحی شده‌اند و با اینکه وسعت آن چنانی ندارند، در آن‌ها انواع و اقسام محصولات کشاورزی تولید می‌شود. زمین‌های کشاورزی «کشت پارک» برای آن‌هایی که کنار این زمین‌ها اتراق کرده‌اند یا آن‌هایی که کشاورز این زمین‌ها هستند، فقط چند قطعه زمین کشاورزی نیست، فرصتی است برای دیدن دوباره رابطه‌ای که ازدحام شهرنشینی آن را کم‌رنگ کرده است، مزرعه‌های کشاورزی شهری مشهد، در میان گذشته و آینده ایستاده‌اند. اما این مزرعه‌ها چگونه در دل شهر شکل گرفتند و چه شد که بوستان برکت با تدبیر شهرداری مشهد مقدس به میزبان نخستین تجربه‌های کشاورزی شهری ایران تبدیل شد؟

تجربه‌ای رایج در دنیا

مهندس مصطفی چشمی، مدیر باشگاه کشاورزی شهری «اپال»، مسیر را این‌طور روایت می‌کند: کشاورزی شهری در بسیاری از کشورهای دنیا به یک تجربه شناخته‌شده تبدیل شده است و شهرها برای ایجاد ارتباط دوباره میان مردم و زمین، به سمت ایجاد مزرعه‌های کوچک در دل شهر افتاده‌اند. این موضوع در مشهد از سال ۱۳۹۹ آغاز شد، زمانی که مفهوم کشاورزی شهری در ایران هنوز شناخته‌شده نبود. وی ادامه می‌دهد: شاید کشاورزی شهری در شهر شلوغ و پرسر صدا و پراسترسی مثل مشهد، فرصتی برای ارتباط دوباره شهروندان با خاک و تجربه آرامشی باشد که زندگی شهری کمتر در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد، آن‌هم درمحیطی که هیچ عامل آزاردهنده‌ای وجود ندارد. کشاورزی شهری ایجاد شده است تا حال خوب به مردم شهر هدیه بدهد و همین آرامش و کاهش استرس‌ها باعث شده است امروز خیلی از کشورهای دنیا به دنبال این موضوع باشند. آرامش بخشی به مردم و تجربه کردن کشاورزی در وسط شهر فقط یک جنبه ماجراست و جنبه دیگر ایجاد مزرعه‌های شهری، ماجراهای مربوط به آب و کم‌آبی است که گریبان مشهد را گرفته است و ول نمی‌کند. مهندس چشمی می‌گوید: شکل‌گیری این مزرعه‌ها فقط به ایجاد فضای سبز یا تجربه کشاورزی برای شهروندان محدود نمی‌شود. در شرایطی که منابع آبی با محدودیت روبه‌رو هستند، این نگاه مطرح است که بخشی از

آب مصرفی شهر می‌تواند به جای صرف‌شدن برای یک فضای سبز صرفاً تزئینی، در مسیر تولید غذا و کشاورزی شهری به کار گرفته شود.

اینجا فقط سبزی رشد نمی‌کند

آفتاب سوزان ظهر اواخر شهریور کم‌کم جای خود را به نسیم نسبتاً خنک عصر سپرده است. اگر تا ساعتی پیش در مزارع، از شدت گرما پرنده‌ای هم پُر نمی‌زد و تنها چند کشاورز مشغول رسیدگی به زمین‌هایشان بودند، حالا با فروکش کردن گرما، جنب‌وجوش بیشتری در مزارع به چشم می‌خورد و چهره مزرعه‌ها کم‌کم تغییر می‌کند. خانواده‌هایکی از راه می‌رسند و مسیرهای قاریک میان قطعه‌های کشت، کم‌کم شلوغ‌تر می‌شود. چند متر آن طرف‌تر، زن و شوهری مشغول برداشت محصولاتی هستند که چندماه قبل خودشان بذرشان را در همین خاک کاشته‌اند. کمی دورتر، چندنفر دور یکی از مدیران مزرعه حلقه زده‌اند و درباره آبیاری، زمان کوددهی و... می‌پرسند هرچه به غروب نزدیک‌تر می‌شویم، حضور مردم هم بیشتر به چشم می‌آید. حالا دیگر مسیرهای میان مزارع و اطراف آن‌ها پُر از رفت‌وآمد و گفت‌وگو میان شهروندکشاورزهاست. می‌گذرانند.

تعامل مردمی، یکی از اولویتهای مهم

مهندس چشمی می‌گوید اولویت آن‌ها برقراری تعامل بین مردم یک شهر باهم است و بعد ادامه می‌دهد: تلاش کرده‌ایم قوانین و ساختار این مجموعه به‌گونه‌ای باشد که شهروندان ناچار شوند با یکدیگر ارتباط بگیرند؛ چیزی که امروز در زندگی شهری کمتر دیده می‌شود. در اینجا چند قطعه زمین، یک «دشت» را تشکیل می‌دهد، محدوده‌ای با خاک مشترک که از دشت‌های دیگر با مسیر یا فنس جدا شده است. هر دشت نیز یک «دشتبان» دارد، فردی که از میان خود کشاورزان انتخاب می‌شود و رابط میان اعضا و مدیران مجموعه است. صاحبان قطعه‌های هر دشت نیز «هم‌دشت» یکدیگر به شمار می‌روند؛ عنوانی که به گفته چشمی، باعث شده اعضای هر دشت، ناخوسته ارتباط بیشتری با هم برقرار کنند، تجربه‌هایشان را به اشتراک بگذارند.

چندمتر خاک، یک دنیا دل‌بستگی

با وجود تفاوت سن، شغل و سبک زندگی، تقریباً همه کسانی که در مزرعه کشاورزی بوستان برکت مشغول هستند، یک نقطه مشترک دارند؛ هیچ‌کدام نمی‌توانند یک روز را بدون سرزدن به قطعه زمینشان بگذرانند و رسیدگی به این قطعه زمین بیست و چندمتری طوری به بخشی از برنامه روزانه‌شان تبدیل شده است که اصلاً نمی‌توانند آن را کنار بگذارند و حتی شنبه‌ها که باشگاه کشاورزی شهری برای رسیدگی و سم‌پاشی و... تعطیل است، باز هم دوروبر مزرعه می‌گردند و از دور نظاره‌گر محصولات و دست‌رنج‌هایش می‌شوند. اگر قرار باشد یک نقطه مشترک میان همه «شهروندکشاورز»هایی که با آن‌ها هم‌صحبت می‌شوم پیدا کنم، نه شغلشان است، نه سنشان و نه محصولی که می‌کارند؛ همه، با کلمات متفاوت، از دل‌بستگی عجیبی به این چندمتر خاک حرف می‌زنند.

ساعت‌هایی که جزو عمرم نیستند

در میان همه کسانی که با آن‌ها هم‌صحبت می‌شویم، آقای بدری اولین کسی است که از این دل‌بستگی حرف می‌زند؛ معلمی بازنشسته که بعد از سی سال تدریس و همراهی با هزاران دانش‌آموز، حالا روزهای بازنشستگی‌اش را میان ردیف‌های سبزی و صیفی‌جات و رسیدگی به قطعه زمینش می‌گذرانند. او می‌گوید: من دوسال است که در کشاورزی شهری بوستان برکت زمین دارم و تقریباً روزی سه چهار ساعت –و حتی بیشتر– اینجا وقت می‌گذارم و کاملاً معتقدم که این ساعت‌ها از عمرم حساب نمی‌شود؛ از روز اولی که وارد ماجرای کشاورزی و برداشت محصول و... شده‌ام، روحیه‌ام واقعاً تغییر کرده است و برخلاف بقیه آن‌هایی که بازنشسته می‌شوند، احساس سرزندگی می‌کنم، به نظرم

یکی از کارهای خوب شهرداری، ایجاد همین مرکز بود. اما شاید یکی از مهم‌ترین لذت‌های کشاورزی این است که محصول و حاصل دست‌رنج خودت را سر سفره می‌بینی و این به نظر من هم لذت‌بخش، هم ارزشمند است.

آرامش مزرعه و دل‌بستگی به این چندمتر خاک، مضمون مشترک حرف‌های آقای قربانیان هم هست؛ کسی که سال‌ها مدیریت واحدهای صنعتی را برعهده داشته و حالا نزدیک به دو سال است که صبح و عصر، بخشی از وقتش را در این مزرعه می‌گذرانند: «سال‌ها در یک محیط صنعتی کار کرده‌ام، اما اینجا همه چیز فرق می‌کند. از یک محیط خشک صنعتی وارد فضایی لطیف و آرام شده‌ام که از شلوغی و سروصدای شهر کاملاً دور است. من با وجود همه گرفتاری‌ها، هر روز چند ساعت را اینجا می‌گذرانم. صبح‌ها از حدود ساعت ۷ به مزرعه می‌آیم و عصرها هم هر وقت فرصتی پیدا کنم، سه چهار ساعت دیگر اینجا هستم. خودم باغ و باغچه هم دارم، اما چیزی که اینجا برایم ارزشمند است، تعاملی است که میان آدم‌ها شکل می‌گیرد؛ هم از دیگران یاد می‌گیری و هم تجربه‌هایت را به آن‌ها منتقل می‌کنی. راستش را بخواهید، یک جورهایی به اینجا وابسته شده‌ام.»

تجربه مفید کشت‌وکار با خانواده

اما این ۲۵متر زمین فقط محل آرامش بازنشسته‌ها نیست؛ برای بعضی خانواده‌ها، بهانه‌ای است برای کنارهم‌بودن و ساختن خاطره‌ای مشترک؛ مثل خانواده رضایی‌پدر، سرگرم‌رسیدگی به مزرعه کوچکش است و چندقدم آن طرف‌تر، بچه‌هایش مشغول بازی در بین زمین‌های کشاورزی هستند، بچه‌هایی که همین چند دقیقه پیش محصولات مزرعه خانواده‌گی را با کمک پدرشان چیده‌اند و الان میان ردیف مزرعه‌ها برای خودشان دنیایی ساخته‌اند که در آن، بازی با خاک و بوته‌های سبزی، جای اسباب‌بازی‌های همیشگی را گرفته است. آقای رضایی می‌گوید: چهارمین سالی است که در باشگاه کشاورزی شهری عضو هستیم و از نظر من مهم‌ترین خُسن باشگاه کشاورزی شهری، در کنار تجربه کشاورزی و تولید محصولات ارگانیک، فضایی است که اینجا برای خانواده‌ها فراهم کرده است. ما الان بیشتر به‌خاطر بچه‌ها به باشگاه کشاورزی می‌آییم تا برای چند ساعت هم که شده از فضای بسته آپارتمان و زندگی شهری فاصله بگیرند و در طبیعت بازی کنند. خودشان هم بیشتر از ما مشتاق‌اند؛ مدام می‌پرسند، «کی می‌رویم باشگاه کشاورزی؟» لمس طبیعت از نزدیک‌ان هم در دل شهر و کمک در کشاورزی و چیدن محصولات و... روحیه بچه‌ها را شادتر کرده است و در این سن و سال دارند تجربه‌ای به دست می‌آورند که در زندگی آپارتمان‌نشینی کمتر نصیبشان می‌شود. اگر مزارع کشاورزی شهری بوستان برکت برای بعضی‌ها محلی برای آرامش است و برای عده‌ای دیگر فرصتی برای فاصله‌گرفتن از زندگی شهری و تجربه لمس طبیعت در کنار فرزندانشان، برای گروهی دیگر به فضایی برای ساختن ارتباط‌های تازه و تعامل با دیگران تبدیل شده است؛ جایی که کشاورزی نه فقط یک فعالیت فردی، بلکه تجربه‌ای مشترک میان شهروندکشاورزهاست. همین رابطه‌ها و همراهی‌ها، تبدیل شده است به دل‌بستگی آن‌ها به این مزرعه‌ها؛ موضوعی که خانم رضایی درباره آن می‌گوید: کشاورزی وسط شهر بی‌نهایت خیر و برکت دارد، هم از لحاظ محصول، هم از لحاظ روحیه. شما اینجا با افراد دیگر تعامل می‌کنید و خیلی از مسائلی که در زندگی روزمره و آپارتمان‌های تنگ و تاریک وجود دارد، اینجا در قالب همدلی، همدلی و یک هدف مشترک، یعنی کشاورزی، کم‌رنگ می‌شود. وقتی محصولی را به همسایه کناری هدیه می‌دهید، با کسی از شما درباره نحوه کاشت و نگهداری سؤال می‌کند، این تعامل شکل می‌گیرد.

یک علاقه ریشه‌دار از دوران کودکی

اما این ارتباط‌ها تنها چیزی نیست که شهروندکشاورزها را به این مزرعه‌ها بازمی‌گرداند. برای بسیاری از آن‌ها، حضور در اینجا به تجربه‌ای فراتر از کاشت و برداشت تبدیل شده است؛ مزرعه‌های

کوچک و چندمتری فضایی هستند که در میان شلوغی زندگی شهری، فرصتی برای آرام‌شدن، فاصله‌گرفتن از دغدغه‌ها و پیدا کردن ارتباطی دوباره با خاک فراهم می‌کنند. این دل‌بستگی را خانم رضایی این‌طور توضیح می‌دهد: قبل از اینکه به اینجا بیایم، از کودکی تجربه کشاورزی داشتم. خانه پدری‌مان حیاط داشت و پدرم مسئولیت آبیاری، نگهداری و چیدن محصولات را به من می‌سپرد. از همان زمان علاقه به کشاورزی در من شکل گرفت. از همان روز اولی که در باشگاه کشاورزی شهری مزرعه‌دار شدم و محصول کاشتم، از همه مراحل رشد محصول عکس گرفتم؛ از زمانی که زمین شخم زده شده و خالی بود تا وقتی که اولین جوانه‌ها از خاک بیرون آمدند. برای من، این مسیر شبیه بزرگ‌شدن یک کودک است. همه سختی‌هایش را هم با جان و دل پذیرفتم و الان روزی پنج شش ساعت از وقتم را اینجا می‌گذارم. این یک دل‌بستگی و اشتیاق است؛ اشتیاقی که باعث می‌شود با امید و انگیزه بیشتری زندگی کنید و برای ساعتی از زندگی شهری و دغدغه‌هایش جدا شوید.

پشت پرده یک مزرعه شهری

پشت این تصویر متفاوت از کشاورزی در دل شهر، یک مدل مشخص طراحی‌شده وجود دارد که در دنیا حسابش را پس داده و حالا پس از حدود شش سال در مشهد هم به یک تجربه موفق تبدیل شده است؛ تا آنجا که امروز بیش از هفتصد نفر در صف انتظار هستند تا قرعه به نامشان بیفتد و یک سالی روی حدود بیست متر زمین کشاورزی را تجربه کنند. مهندس چشمی در این باره می‌گوید: سالانه تقریباً ششصد نفر از این فضا استفاده می‌کنند که این عدد نشان می‌دهد در این شش سالی که از عمر باشگاه کشاورزی شهری می‌گذرد، بین ۴ تا ۵ هزار نفر از مردم مشهد کشاورزی در دل شهر را تجربه کرده‌اند. همین الان هم برای سیصد قطعه زمین کشاورزی، چیزی نزدیک به هفتصد نفر متقاضی داریم که باید از آن‌ها افرادی را انتخاب کنیم. الان هم ۶۰ درصد اعضای فعلی را افراد جدید و ۴۰ درصد را اعضای قدیمی تشکیل می‌دهند؛ آماري که نشان می‌دهد این تجربه برای بخشی از شهروندان به فعالیتی ماندگار تبدیل شده است.

اما آنچه این مزارع را از یک زمین کشاورزی معمولی جدا می‌کند، مدل‌هایی است که مدیران و ایده‌پردازان باشگاه کشاورزی شهری برای آموزش و تجربه واقعی کشاورزی طراحی کرده‌اند، مدلی که شهروند را با مسیر کامل تولید محصول، از آماده‌سازی خاک و کاشت بذّر تا داشت و برداشت یک محصول ارگانیک آشنا و حتی همراه می‌کند. او می‌گوید، ما در باشگاه کشاورزی شهری تلاش کردیم تا کشاورزی را به تجربه‌ای آموزشی و قابل‌دسترس برای شهروندان تبدیل کنیم. شهروندانی که بدون دانش و علم کشاورزی وارد این گود می‌شوند، اما با آموزش‌هایی که در اینجا دریافت می‌کنند و تجربه‌ای که کسب می‌کنند، به کشاورزی نیمه حرفه‌ای تبدیل می‌شوند و از این دانش در جای دیگری استفاده می‌کنند. امروز با همین شهروند کشاورزانی که آموزش آکادمیک کشاورزی نداشته‌اند و ۳۰٪ قطعه زمین بیست‌مترمربعی در اختیارشان است، یک هکتار سطح زیرکشت داریم.

او ادامه می‌دهد: در این مزارع حدود شصت گونه مختلف محصول کشت می‌شود. از انواع سبزی‌ها و صیفی‌جات گرفته تا برخی محصولات مدیترانه‌ای که کمتر نمونه مشابهی دارد و حتی گل‌هایی مانند سنبل و نرگس که پیاز آن‌ها در آستانه نوروز توزیع و کاشته می‌شود. ویژگی مهم دیگر مزرعه‌های بوستان برکت ارگانیک بودن آن است. اینجا از کود و سم شیمیایی استفاده نمی‌شود و کنترل آفات با روش‌های طبیعی دنبال می‌شود. مثلاً در اطراف مزرعه‌ها برای جلوگیری از برخی آفات رزماری کاشته‌ایم یا برای کاهش و دفع برخی آفات دیگر از تله‌های طبیعی استفاده کرده‌ایم تا محصولی سالم و عاری از هر مدل کود و سم شیمیایی تولید شود.